

علت انقباض اقتصاد بریتانیا در سه ماهه پایانی سال ۲۰۱۰

بولتن اقتصاد سوسبالیستی

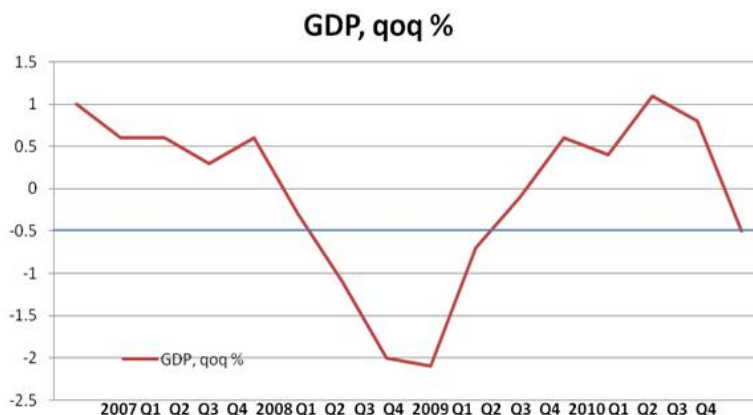
مایکل بورک، ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱

مترجم: آرمان پویان

کاهش ۰.۵ درصدی تولید ناخالص داخلی (GDP) بریتانیا در سه ماهه چهارم سال ۲۰۱۰، بسیاری از ناظرین را بهت زده کرد. در واقع پس از یک سال تجربه رونق ملایم، ما این بار شاهد یک کاهش بودیم. این کاهش بدان معناست که اقتصاد بریتانیا فعلاً در سطحی پایین تر از اواخر سال ۲۰۰۸ قرار دارد. پیش تر، بسیاری از اقتصاددانان متفق القول بودند که اقتصاد در سه ماهه چهارم سال گذشته، حدود ۰.۵ درصد رشد خواهد داشت (هرچند با توجه به روند بهبود ملایم اقتصادی سابق هم، چنین رشدی، در صورت وقوع، آهسته به نظر می رسید).

در نمودار ۱، که روند آهسته اقتصاد را حتی پیش از آخرین داده های موجود نشان می دهد، این موارد به نمایش گذاشته شده است.

نمودار ۱



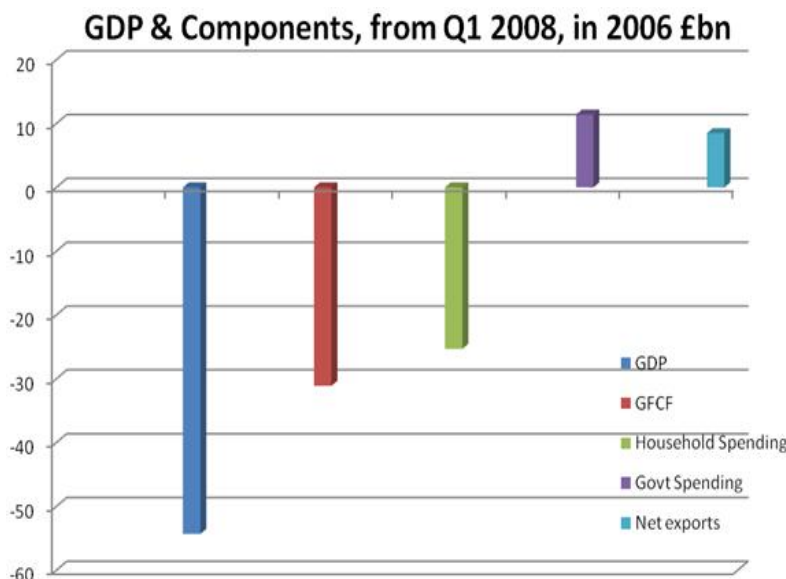
دولت تلاش کرد تا به راحتی و با در نظر گرفتن اثرات وضعیت بد آب و هوایی اواخر سال گذشته، این داده ها را در نظر نگیرد. اما به گفته جو گرایس، سرپرست اداره ملی آمار (ONS)، بهترین تخمین آن ها اینست که با صرف نظر کردن از شرایط حادث آب و هوایی، اقتصاد احتمالاً باید رشد صفر را ثبت کرده باشد. هرچند این کاهش چندان محسوس نیست، اما از گفته های ONS چنین به نظر می رسد که روند کلی اقتصادی هم چنان به سوی یک کاهش قابل ملاحظه، ادامه دارد.

چرا در حال حاضر با روندی آهسته رو به رو هستیم؟

پرسشی که هم چنان باقی می ماند اینست که چرا اقتصاد، آن هم پس از طی یک سال بهبود ملایم از زمان وقوع عمیق ترین رکود نسبت به دهه ۱۹۳۰ به این سو، روندی آهسته به خود گرفته است؟ برای تجزیه و تحلیل این موضوع باید داده های پیشین را مورد بررسی قرار دهیم. نخستین داده های GDP تنها وضعیت تولید را نشان می دهد و در آن جزئیات و اطلاعات محدودی در مورد تخصیص درآمدها یا منابع هزینه ها وجود دارد. به همین ترتیب، داده های مناسبی نیز در مورد ارزش پولی GDP وجود ندارد، به همین جهت در این جا تنها داده های موجود تا سه ماهه سوم ۲۰۱۰ (یعنی تا پیش از رکود مجدد اقتصاد) تحلیل می شود.

در نمودار ۲، ارزش پولی واقعی GDP و اجزای آن از نقطه اوج خود (یعنی آغاز سال ۲۰۰۸) تا سه ماهه سوم سال ۲۰۱۰ نشان داده شده است.

نمودار ۲



GDP واقعی (با توجه به آخرین داده های موجود که کاهش سه ماهه چهارم را در نظر نگرفته است)، از نقطه اوج رونق در سه ماهه نخست سال ۲۰۰۸ تا سه ماهه سوم ۲۰۱۰ حدود ۵۴.۳ میلیارد پوند سقوط کرده است. مهم ترین عامل مؤثر در این رکود، هم چنان مسأله کاهش سرمایه گذاری یا به عبارت دیگر، کاهش تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (GFCF) است. مطابق با نمودار فوق، حجم GFCF قریب به ۳۱.۱ میلیارد پوند کاهش داشته است که این یعنی ۵۷ درصد از کل کاهش GDP. به همین ترتیب، هزینه های خانوار نیز با سقوط دستمزدهای واقعی، افزایش بیکاری و ...، ۲۵.۳ میلیارد پوند کاهش یافت. اما این رقم کم تر از نصف کل میزان کاهش در GDP است. البته افزایش خالص صادرات به میزان ۸.۵ میلیارد پوند، تا حدودی تأثیر این کاهش ها را خنثی کرده است. اما مهم ترین افزایش در این بین، مربوط به هزینه های دولتی می باشد (معادل ۱۱.۴ میلیارد پوند).

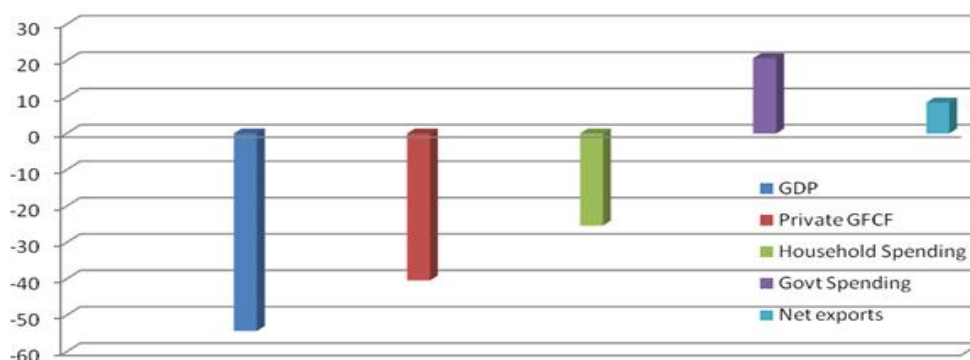
به وضوح دیده می شود که سرمایه گذاری مهم ترین منشأ رکود، و مخارج دولتی مهم ترین پایه بهبود بوده است. اما در داده های مربوط به حساب های ملی، سطح تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (GFCF) بدون تفکیک به دو منبع سازنده آن- یعنی بخش خصوصی و بخش عمومی- و تحت یک عنوان آورده شده است. این موضوع در حساب های ملی اتحادیه اروپا و برخی دیگر از کشورها نیز مصداق دارد. اما در ایالات متحده، GFCF به دو جزء خصوصی و عمومی (و هم چنین زیر مجموعه های بیش تر مانند مسکن و غیره) تفکیک می شود. اگر به همین شکل میان سرمایه گذاری خصوصی و عمومی در بریتانیا نیز تمایز قائل شویم، تصویر به مراتب قابل توجه تری به دست می آوریم. چرا که هزینه های دولتی، حتی در حین کاهش کل GFCF رو به افزایش بود.

در طی دوره رکود، همان طور که تاکنون نیز خاطر نشان ساخته ام، میزان کل GFCF حدود ۳۱.۱ میلیارد پوند کاهش یافت. اما در این بین، سرمایه گذاری بخش خصوصی ۴۰.۴ میلیارد پوند سقوط کرد، در حالی که این میزان کاهش برای سرمایه گذاری دولت، تنها ۹.۳ میلیارد پوند بود. این امر به علت افزایش هزینه های سرمایه ای دولت در حوزه هایی هم چون برنامه "ساخت مدارس برای آینده" و هم چنین نوسازی بیمارستان ها و سرمایه گذاری بر روی زیرساخت ها صورت گرفت و بخشی از واکنش دولت حزب کارگر در سال ۲۰۰۹ به بحران موجود بود.

تمایز میان سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی در نمودار ۳ نمایش داده شده است. در این جا، GFCF در واقع تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش خصوصی است؛ در حالی که مخارج دولتی، دربرگیرنده هزینه‌های جاری دولت به انضمام افزایش در سرمایه‌گذاری دولتی است.

نمودار ۳

Real GDP & Public vs Private Sector Components,
from Q1 2008, in 2006 £bn



همان طور که در نمودار ۳ ملاحظه می‌شود، سقوط سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تقریباً مسنول اصلی بحران اقتصادی است (۴۰.۴ میلیارد پوند از کاهش ۵۴.۳ میلیارد پوندی GDP یا به عبارتی سه چهارم کل رکود). اگر ما کل عوامل موثر بر رشد مخارج دولتی را در نظر بگیریم- یعنی هم هزینه‌های جاری دولت و هم سهم بخش عمومی در GFCF- آن گاه GDP حدود ۲۰.۷ میلیارد دلار افزایش پیدا می‌کند.

این بدان معناست که انقباض اقتصاد، بدون افزایش در هزینه‌های دولتی می‌توانست به مراتب وخیم‌تر باشد.

در حال حاضر می‌دانیم که قرارست تا هزینه‌های دولتی تحت برنامه دولت محافظه کار کاهش پیدا کند. در حقیقت، هزینه‌های جاری دولت کنونی با آغاز برنامه کاهش هزینه‌ها، در سه ماهه سوم کاهش پیدا کرد. این کاهش تنها ۱.۱ میلیارد پوند بود، اما به هر حال نخستین کاهش از زمان شروع بهبود اقتصادی محسوب می‌شد. بدون تردید داده‌های مربوط به سه ماهه چهارم ۲۰۱۰، کاهش بیش‌تری را در مخارج دولتی ایجاد خواهد کرد. در این بین، برنامه افزایش سرمایه‌گذاری دولت حزب کارگر هم که زمان نسبتاً طولی برای تکمیل خود نیاز دارد، به زودی واژگون خواهد شد.

علت بهبود چه بود؟

با نگاه به بهبود اقتصادی اخیر که به مدت یک سال- بین سه ماهه چهارم ۲۰۰۹ تا سه ماهه سوم ۲۰۱۰- به طول انجامید، می‌توان دید که کل افزایش تولید نسبت به نقطه حداقل دوره رکود، ۳۴.۳ میلیارد پوند بود. افزایش کل در مخارج دولتی در طی رکود و رونق نیز معادل ۲۰.۷ میلیارد پوند بود. از آن جا که عمده این افزایش پیش از آغاز رونق رخ داد، توانست تا به تداوم هزینه‌های مصرفی خانوار از طریق برنامه‌های رفاهی و سایر پرداخت‌ها کمک کند. به علاوه با تشویق بخش خصوصی به ازسرگیری سرمایه‌گذاری، این موضوع به بهبود GFCF منجر شد. در طی دوره یک ساله بهبود، هزینه‌های مصرفی خانوار ۱۶.۴ میلیارد پوند افزایش داشت، در حالی که این افزایش برای GFCF حدود ۱۲ میلیارد پوند بود. کل مخارج دولتی، شامل سهم آن در سرمایه‌گذاری، مستقیماً مسنول ۶۰ درصد بهبود اقتصادی بود (۲۰.۷ میلیارد پوند از افزایش کل ۳۴.۳ میلیارد پوندی). بنابراین مبالغه نخواهد بود اگر بگوییم که هزینه‌های دولتی مسبب بهبود بوده است.

اکنون روشن است که چرا اقتصاد روند شدیداً آهسته ای را در پیش گرفته. آقای آزیورن احتمالاً تمایل خواهد داشت تا این موضوع را به وضعیت آب و هوایی ارتباط دهد. اما حقیقت، همان طور که ONS نیز خاطر نشان می سازد، تأثیرات آب و هوایی نیست. ممکن است سه ماهه نخست سال جاری شاهد اندکی بهبود باشد، اما این موضوع چندان عجیب نخواهد بود؛ چرا که برخی از فعالیت های اقتصادی که در سه ماهه چهارم سال گذشته به تعویق افتاده بود، اکنون انجام خواهد شد. اما با حذف پایه اصلی رشد- یعنی هزینه های دولتی- کاملاً مشخص است که سه ماهه نخست ۲۰۱۱ به طور متوسط شاهد رشد به مراتب کم تری از اواسط سال ۲۰۱۰ خواهد بود. ضمناً سال ۲۰۱۱ شاهد تأثیرات بالا رفتن نرخ مالیات بر ارزش افزوده (VAT) و افزایش گسترده قیمت ها خواهد بود که این ها خود به کاهش شدید درآمدهای واقعی منجر خواهد شد. کاهش در هزینه های سرمایه ای در برنامه قرار گرفته، در حالی که مزایا در ماه آوریل شدیداً پایین آورده خواهد شد.

فراموش کردن این موضوع که سیاست دولت محافظه کار زیر عنوان "کاهش کسری" صورت می گیرد، کار چندان دشواری نیست. اما کسری بودجه، تحت تأثیر رشد قوی تر اقتصاد- که خود نتیجه افزایش هزینه های دولت می باشد- رو به کاهش بوده است. در سال مالی ۲۰۱۰، میزان درخواست استقراض ۱۴۸ میلیارد پوند بود، در حالی که خزانه داری مقدار نیاز مذکور را ۱۷۸ میلیارد پوند برآورد نموده بود.

سیاست های دولت ائتلافی محافظه کار، تهدیدی برای اقتصاد و منابع مالی دولت است.

منبع:

<http://socialisteconomicbulletin.blogspot.com/2011/01/british-economy-contracts-once-more.html>